

# اصول، مفقود، ادعای موجود

## هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند یکسره  
بی اساس باشد ولی میتواند کاملا غیراصولی باشد<

بخش بیست و سوم

## حملات دریده..

امیرفیض - حقوقدان

بنابراقراری که درپایان تحریرقسمت بیست و دوم آمده بود<sup>۱</sup> میبایست موضوع داخلی این تحریر رجز خوانی های آقای امید دانا باشد، ولی با ملاحظه برنامه ایشان متوجه شدم که مورد تحریر نمیتواند ارتباط قطعی وجامع با رجز خوانی داشته باشد زیرا رجزخوانی به معنای تعریف از شجاعت و شرافت و مردانگی است واین موضوعات در اظهارات امید دانا حداقل در آن برنامه، حکم کیمیا را دارد بهمین دلیل عنوان این تحریر **حملات دریده** انتخاب شد، نه رجز خوانی.

### دلیل تغییر عنوان تحریر

عرض شد که رجز، به معنای معرفی شخص، ازسوی خود است ودراین معرفی صفات و مشخصات برجسته مانند شجاعت، گذشت و انصاف از قتل شکست خورده درجنگ، مردانگی مانند عدم تعدی و تعرض به عیال و فرزندان شکست خورده، روحیه وفا داری به ولی نعمت و در نهایت احتیاط به مراحل و مراسم اخلاقی مرسوم، بوسیله رجزخوان اعلام عام میشود. سپس همانند یک مرد واقعی و شجاع حقیقی که شجاعت او براساس اخلاق و شرافت انسانی بنا شده است دست به حمله میزند.

### چرا رجز خوانی؟

میدانید که چرا رجز خوانی در گذشته ها معمول بوده است؟ برای اینکه جنگ آوری که در میدان آمده نشان دهد که جنگ را به خاطر حب و بغض و منافع شخصی و یا انتقام گیری و یا لذت از کشتن و زجر دادن طرف انجام نمیدهد و بر مبنای یک اعتقاد و یا حقوق ثابت شده کشور خود که در معرض تهاجم قرار گرفته جنگ میکند و همینکه احساس کند که حقش قائم به اصالت نیست و یا ضربه های کاری به طرف وارد ساخته که طرف قادر به جبران نیست و یا بهر جهت، طرف مایل به جنگ نیست و یا طرف در محظوات جنگی است و امثال آنها دست از جنگ میکشد. این بدان معناست که انتقام، خونخواهی، خونریزی، شکنجه و عذاب دادن که غالباً نتیجه احساسات شخصی و یا ناشی از سادیسم است از مردانگی و شرافت انسانی در جنگ و یا مبارزه بدور شناخته شده است و کسانی که به این مهم توجه نداشته باشند انسانی بی شرافت،

نامرد، آزارگر و یا یک سادیسمی انسان آزار میباشد؛ (کنوانسیون ژنو هم مراتبی که در این تحریر اشاره شد بصورت یک قاعده حقوقی درجنگ منظور داشته است).

## اسب درشکه ای که رم کرده است

امید دانا تکیه کلامی دارد که میگوید: <زد به جاده خاکی - زدبه جدول> این تشبیهات در مورد کسانی است که از فرط احتیاط از تصادف، نقدر از دست راست حرکت میکنند که گاه با جدول اصطکاک پیدا میکنند؛ اصطلاح درست این است که طرف از کنترل خارج شده است که وقتی راننده ای از کنترل خارج میشود دیگر معلوم نیست که به کجا میرود و چه وچند خانه وکاشانه را خراب وچه آسیب هائی وارد میسازد و اینجاست که آدم تبدیل میشود به اسب درشکه ای که رم کرده است. که اگر راننده میل به تخریب ویا انتقام گیری ویا بطور کلی سادیسمی باشد؛ همه این انحرافها ویا خارج از کنترل شدن امری ارادی تلقی میشود (حوادث کشتاری رانندگان فلسطینی در اسرائیل).

## شاهزاده خائن

در کمال تاسف عمل امید دانا در رابطه با محکمه صحرانی، دقیقاً از کنترل خارج شده آهم همراه با سادیسم مردم آزاری؛ نمونه ای تقدیم میشود:

امید دانا بعلت اینکه شاهزاده اش در کنار محمد الکلامی نشسته، شاهزاده را خائن نامیده است؛ <نشستن در کنار محمد الکلامی خود خیانتی است> نمیشود گفت که امید دانا نمیداند که خیانت چیست و خائن کیست ولی انسان وقتی از کنترل عقل خارج شد ویا عقل در حدی نبود که بتواند اراده را کنترل و هدایت کند (که این خود میتواند نوعی از سادیسم تلقی شود) نتیجه اش همین است که از یکطرف شاهزاده را نماد ملی و قطب امید مردم میدانند و از طرف دیگر بلافاصله او را خائن و بی شرافت و بی اصول نامیده است (در همان مصاحبه).

گفته شده که مسلمانان فناتیک عهد فتحعلیشاه در استقبال از نمایندگان کشورهای خارجی بعلت مسائل مذهبی و اینکه آنها نجس هستند، شاه، از پذیرائی و نشست در کنار آنها اکراه داشت و جای پای آنها را خاکستری پاشیدند که ناپاکی باقی نماند؛ جمهوری اسلامی هم نشستن در کنار معاون مرکل را نهی و منع دانست، نه خیانت که امید دانا قرار گرفتن اعلیحضرت را در کنار محمد الکلامی خیانت میدانند. هرگز نشنیده بودم که نشستن در کنار یک شخصیت مطبوعاتی که شیوه دمکراسی و سیاسی است، خیانت تلقی شود، مگر بهانه جوئی و ریختن زهر دشمنی، مگر <باب تشخیص مسدود و باب اتهام مفتوح>. **امید دانا که میگوید من کار سیاسی نمیکنم غلط میکند که در کارهای سیاسی در آن حد دخالت میکند که اعلیحضرت را بمناسبت یک کار معمول سیاسی و مطبوعاتی متهم به خیانت میکند.**

## سادیسم شاه آزاری

امید دانا که نشستن در کنار محمد الکلامی را خیانت میدانند، نمیتواند همین سیاق را نسبت به هومر آبرامیان که اصرار داشته <خلیج فارس چون نام فرمانده نیروی دریائی کوروش بر آن نیست با بحر احمر تفاوتی ندارد>، شمول ندهد. در حالیکه اولین کس از تانید کنندگان حکم محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران به اعتبار نام خلیج فارس، همین هومر آبرامیان بوده است.

میدانید چرا این جریان غیرقابل قبول وجود دارد؟ زیرا هدف امید دانا تحقیر و آزار و بی اعتبار کردن شخص اعلیحضرت است نه موضوع نام خلیج فارس. خلیج فارس بهانه است، خلیج فارس نبود امارات که هست امارات که نبود همانطور که خود امید دانا گفته >بالاخره آنقدر بوسیله حقوقدانان میگرد تا چیزی پیدا کند< درست مانند مامورین پلیس مخفی که آنقدر متهم را تحت فشار قرار میدهند تا چیزی علیه او بدست بیاورند؛ اصطلاح آنان هم این است >بالاخره چیزی علیه ات پیدا میکنم<.

## شمول قاعده امید دانا

با قاعده ای که امید دانا ساخته و بر آن پای میفشارد تمامی آن ۵۲ تن بعلاوه آن ۲۰ میلیون ایرانی زیر کلید اراده آن مرد ۲۰ میلیونی (علی فرازنده)، بعلاوه خود امید دانا و بردیا قلابی و مسعود صدر و شهرام همایون؛ مصطفی عرب و فرامرز فروزنده، خانن هستند زیرا در کنار آبرامیان برباد ده خلیج فارس نشسته اند.<sup>۲</sup>

دامنه اتهام خیانت به همین جا ختمی نمیشود؛ امید دانا گفته است: >اگر کرده های رضاپهلوی را نادیده بگیرد در زمره خاننین قرار میگیرید حق با ماست بیانید >.....< یعنی همه کسانی که به مهملات و تراوشات بیماری سادیسم امید دانا و همفکرانش کم توجه اند و دنبال امید دانا و فتنه انگیزی او نمیروند خانن هستند؟

شما خواننده محترم فکر میکنید که دامنه این افکار پلید تا کجا ادامه خواهد یافت؛ و چه راحت شما را مشمول ساخته است؟ آیا این قبیل ادعا ها میتواند از یک عقل سالم و اراده ناشی از فرمان عقل بروز کند؟

## فرمان عقل بیمار

فرمان عقل امید دانا آنطور که خودش قبل از تشکیل محکمه صحرانی گفته است: >عقلمون اجازه حمایت و تائید شاهزاده رضا پهلوی را نمیدهد< و بعد هم دوبار گفت: >من علاقه ای به دیدن ایشان ندارم< به حکم همان عقل امید دانا، ادعا نامه هشدار، در محکمه صحرانی تبدیل به حکم محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران شد. (بالا تر از رنگ سیاهی رنگی نیست) در تطبیق مورد، بالاتر از محکومیت با موجودیت ایران هیچ اتهام و جرمی نیست که نیست که نیست.

## ضمانت حکم محکمه صحرانی

◀ امید دانا پس از صدور حکم محکمه صحرانی که تیر خلاص به اعتبار شخص اعلیحضرت هدف امید دانا بوده است اتهامات و فحاشی های بسیاری هم ضمیمه حکم کرده است که برخی از آنها که دم دست است؛ عبارتند از:

>شاهزاده خانن است<، >افتضاح کرده است<، >پیشه است< >عروسک بی اختیار است<، >سیاه نما کار است = حقه باز و غیر قابل اعتماد<، >بی ابروست<، >گناهکار و مستحق عذراوهی از گناه<،

<sup>۲</sup> - همه اینان آنروز که شاپور بختیار آدرس پایانه های نفتی و بندرگاه های ایران را به صدام حسین میداد و سرهنگ هایی که در دستگاه او بودند و با صدام حسین همکاری میکردند تا ایران را بمباران کند سکوت کرده بودند و بختیار را قهرمان میدانستند. ح-ک

«اگر الان، همین الان حاضرشود عذرخواهی کند خواهیم او را بخشید اما این سیاه نمائی که میخواهد جلوی مابه ایستد جلوی تان خواهم ایستاد».

◀ «شاهزاده آگاهانه این کارها را انجام داده است» = یعنی اعلیحضرت با اراده و نیت خالص و با توجه به اثرات و ضایعات احتمالی است که این فرمایشات و اقدامات را مینمایند و تالی این برداشت این است که فرض اشتباه و خطا در بکار بردن واژه ها و یا تلقین سوء مشاورین محلی از اعراب ندارد.

نکته قابل توجه در ادعای امید دانا این است که او اظهاراتی را که در عرض نظریک شهروند ایرانی و فارغ از مسئولیت است در حد کار و عمل اعلیحضرت گرفته است که توجه اتهامات به اعلیحضرت از جنبه نظری، به فعل انجام، شده تبدیل شده باشد.

و عجیب در عجیب این است که امید دانا همه این اتهامات و اقدامات را در حالی دنبال میکند که هم مدعی است، کار سیاسی نمیکند و هم مدعی است که یهلوی پرست و در مکتب رضاشاه کبیر آموزش دیده است.

### علائم سادیسیم

◀ اینکه بعد از حکم محکمه صحرائی امید دانا ول کن نبوده و مرتباً آزار رسانی و فحاشی و اتهام سازی علیه اعلیحضرت کرده چیزی جز از علائم سادیسیم نیست، والا کسی که میگوید من با شاهزاده کاری ندارم و نمیخواهم اورا ببینم و عقلمون اجازه حمایت و تائید ایشان را نمیدهد و حکم دشمنی با موجودیت ایران را هم صادر کرده است باید قاعدتاً طرف را ول کند ولی می بینیم که مانند مار منتظر فرصت نیش زدن است، نمیدانم به این عملیات و این قبیل احساسات غیر معقول چه میتوان گفت غیر از سادیسیم.

### علی بهانه گیر

◀ یکی از علائم بیماری سادیسیم این است که بیمار نمیداند چه میخواهد. بنده با همه دقتی که بجریان امید دانا از ابتدا تا به امروز دارم نفهمیدم که امید دانا واقعا به دنبال چیست و تا چه حد خرد کردن مجازی و تصویری اعتبار اعلیحضرت او را قانع میسازد. البته بنده فارغ از حدس نیستم ولی حدس غیر از حقیقت است. با کمی اغماض میتوان گفت که جریان امید دانا شباهت نزدیکی با لطیفه علی بهانه گیر را دارد.<sup>۳</sup>

### فوق حساسی - فوق حساسی

◀ در ابتدای برنامه امید دانا دوبار از جمله «فوق حساسی» برای برنامه اش استفاده کرد که بنده فکر کردم مسائلی مربوط به رویداد های اخیر جهانی است که این حساسیت فوق العاده را به

۳ - روش این حضرات مطابق با روش جمهوری اسلامی است که هنوز هم پس از ۳۷ سال «معمای شاه» میسازد، در حالیکه مردم ایران معتقدند شاه معمای نداشت، «شهرزاد» را میسازد و «قهوه تلخ» میسازد و در هر نطق و خطابه ای از سوی هر کسی بخاطر خشکسالی یا توفان یا هر عمل دیگری «شاه» را مقصر می کنند. ح-ک

برنامه میدهد ولی درکمال تاسف حساسیت برنامه ناشی از غلیان سادیسیم و از علائم خودبزرگ بینی و شاه آزاری امید دانا بود.

## هدف آبروریزی است

◀ امید دانا در همین برنامه میگوید؛ «اینطوری جلوتون می ایستم و آبروتان رامیبرم» کاشف از این عبارت این است که او یعنی امید دانا به قصد آبرو ریزی از اعلیحضرت این حرکات را انجام میدهد، و این عمل بعد از حکم دشمنی با موجودیت ایران برای اعلیحضرت از علائم بیماری سادیسیم است که بیمار حتی دست از جنازه طرف خود هم برنمیدارد.

## اعلان جنگ

◀ امید دانا در همین برنامه فریاد کرد: «بامن طرف شده اید جلوتان می ایستم.....» کسی با ایشان طرف نشده و ایشان هست که محکمه تشکیل داده و بعد از آن هم سیل اتهامات و دشنام ها را متوجه اعلیحضرت که خود امید دانا هم به موقعیت استثنائی و غلو امید مردم به ایشان آگاه است کرده است.

حالت مزبور هم میتواند یکی از علائم سادیسیم باشد چرا که بیمار سادیسیمی همواره در حالت بدبینی است و همه را دشمن و خواستار نابودی آنهاست و فکر میکند که اگر دیگران نباشند امکان موفقیت او حتمی است و این دیگران هستند که جای او را گرفته اند؛ این است که همیشه خود را آماده ایستادن جلوی هر حرکتی نشان میدهد.

## ۵ سال زندان

امید دانا میگوید به همسر م گفته ام که ۵ سال زندانی برای خودم پیش بینی کرده ام. همین اظهاری که ظاهرش گویای خود نمائی است، باطن آن نمایانگر وحشت و نگرانی و از عوارض سادیسیم و مازوخسیم است. این سادیسیم است که ایشان فکرمیکند که از سوی سلطنت طلبان به ۵ سال زندان محکوم خواهد شد.

## عذر خواهی اعلیحضرت و بخشش

◀ اینکه میگوید «اگر الان، هم الان اعلیحضرت عذر خواهی کند او را خواهیم بخشید» اعلی درجه از خود خواهی و بیماری غرور و تفرعن است واقعا که چه خوب گفته اند: (یارب روا مدار که گدا معتبر شود-- گرمعتبر شود از خودش بیخبر شود یعنی سوابق خودش و همت اعلیحضرت برای نجات او همه فراموش میشود که شده است.

## ادعای اجبار

میگوید: «مرا مجبور میکنید که محکم به ایستم (مقصود جلوی اعلیحضرت است)» هیچکس ایشان را مجبور نکرده است. آن اجباری را که امید دانا حس میکند، ناشی از همان وهم و خیال بیماری سادیسم است.

در کشورهای خارجی، امر اجبار به تمکین، نه اجرا شدنی است و نه مقبول و نه مرسوم. این انسان است که خودش را به انجام کاری متعهد و مجبور می بیند و یانمی بیند. اجبار به انجام کار، ناشی از حکم عقل و اعتقاد و باورهای قلبی است، که اگر آن باورهای قلبی سالم نبود و بیماری های خاصی مانند بدبینی جای سلامت عقل را گرفته باشد بالطبع حالت اجبار، که تامین کننده خواست آن بیماری روانی و روحی است را بوجود میآورد.

## یک دسته وکیل

یکی از مشخصاتی که ممکن است از علانم بیماری سادیسم شناخته شود این است که ایشان میگوید:

در آینده میروم میگردد و یک دسته حقوقدان پیدا میکنم که یک چیزهایی علیه تان پیدا کنند و دعوا کنم چنین اقدامی کار و عمل متداول مردم عاقل نیست، که امید دانا منتظر فراهم کردن آن است، این خواست و انتظار او تمام نصایح بزرگان ادب فارسی را که ترک کینه را توصیه کرده و گفته اند:

تونیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

زیرا میگذارد وعده چنین کاری را به مردم دادن، نشانی از بیماری سادیسم و انتقام گیری است تصور نمیکنم در طول ۳۷ سال مبارزه نظیر چنان کلامی را از کسی شنیده باشید؛ دنبال شر گشتن آنها هم اعلام آن نشان آشنائی با قبح آن است نه صفت آدمی. مگر کسی که بنوعی از بیماری سادیسم مبتلا باشد که برایش یک امر عادی و بیان آن هم سبک کردن حالت انتقامی است.

## علامت پستی

امید دانا گفته است: «صبرم لبریز شده است اگر از من شکایت نکنید من میدانم چقدر پستید و اگر شکایت نکنید دروغگو هستید».

همینکه امید دانا میگوید «صبرم لبریز شده» دلیل فقدان ظرفیت است.

بیت مشهور «مرد باید که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیاب باشد»، یعنی مرد باید ظرفیت و تحمل و بردباری و صبر داشته باشد نه با اندک چیزی صبرش لبریز شود.

بنده تاکنون ندیده ام که شکایت نکردن از افراد دلیل پستی و دروغگویی باشد برعکس شنیده ام که شکایت نکردن علامت بزرگواری و سعه صدر و مردانگی شناخته میشود.

## جراین هیجان و انتقام گیری؟

حال سوال این است که این هیجان فوق العاده سادیسمی امید دانا آنها تا آنجا که می‌رود و می‌گردد > تا عده ای وکیل شرخر پیدا کند و دعوا کند علیه اعلیحضرت < برای چیست و موضوع دعوی او چیست؟

## مامور جمهوری اسلامی

علت آن است که برنامه ای که از سوی شورای منتسب به اعلیحضرت منتشر شده به امید دانا عنوان مامور جمهوری اسلامی داده شده و امید دانا به اعتبار همان بیماری سادیسمی فوراً آنرا به حساب اعلیحضرت گذاشته است.

## عامل جمهوری اسلامی نه مامور

یادم نیست که در تحریرات قبلی راجع به تفاوت مامور جمهوری اسلامی و عامل، چیزی نوشته شده یا خیر بهر حال برای آرامش نسبی و تسکین امید دانا این مختصر شاید بجاباشد.

امید دانا و بردیا قلبی یا همفکرانشان مامور جمهوری اسلامی نیستند. مامور کسی است که یک ماموریت مشخص و دیکته شده بدون انحراف از آن را در ماموریت خود دارد. اقتضای این عمل آن است که جمهوری اسلامی با برنامه ریزی نسبت به کاری، کسانی را مامور اجرای آن برنامه میکند.

این حضرات عاملین جمهوری اسلام هستند نه مامور. فرق بین مامور و عامل این است که عامل در جریان کاری که ممکن است بنفع جمهوری اسلامی تمام شود دخالت میکند و جمهوری اسلامی را منتفع میسازد و یا کاری که ممکن است به زیان جمهوری اسلامی تمام شود آنرا متوقف و یا منحرف میسازد و در مجموع آزادی عملی که عامل دارد، مامور جمهوری اسلامی ندارد.

تشکیل محکمه صحرائی و اتهامات بسیار سنگین و معنا داری که دقیقاً اعتبار سیاسی و اجتماعی اعلیحضرت را نشانه گرفته چیزی نیست که جمهوری اسلامی حتی خواب آنرا هم میدید تا برای انجام آن ماموریتی به امید دانا و بردیا قلبی و شرکاء بدهد.

امید دانا بعلت سرخوردگی از تاملین انتظاراتش و فقدان ظرفیت وجود عقده های حقارت در زندگی و بدبینی مفرط و شاید نداشتن تربیت صحیح به راه تشکیل محکمه صحرائی کشیده شد، جریانی که نتیجه آن کاملاً و بدون تردید بنفع جمهوری اسلامی است.

زیرا در شرائط کنونی هیچ کمکی به جمهوری اسلامی در حد و قواره ایجاد بی اعتمادی و خرد کردن

شخصیت اعلیحضرت نیست که این مهم بوسیله امید دانا و حفت فکری او بر دنا قلبی و شرکاء به اجرا

گذاشته شده است.

## تشخیص بسیار دشوار

تشخیص اینکه کاری که انجام میشود در نهایت بسود جمهوری اسلامی تمام میشود یاخیر، کار آسانی نیست وچه بسا خیلی از اقدامات وحتى نوشته ها در نهایت و در موازنه نفع ویا ضرر، به نفع جمهوری اسلامی تمام شود؛ همین شورای تجزیه طلبان دقیقا نقش عاملیت جمهوری اسلامی را ایفا کرده است. در تاریخ ۲۲/۳/۲۰۱۳ تحریری تقدیم شد زیرعنوان <شورای ملی درمسیراهداف جمهوری اسلامی><sup>۴</sup> که دلایل موضوع کاملا بیان شده است.

در مبارزات سیاسی که دارای رهبری وکادرهای مسئول است کمترین پیچیدگی وجود دارد ولی درمبارزه ما که هر مبارزی به میل ودوق آنی خود عمل میکند وسواس به چنان رخ دادهائی جدی است.

## آقای امید دانا

بعنوان کسی که احساس مسئولیت درجریانی که شخص شما موجد آن هستید میکنم؛ از سر خیرخواهی عرض میکنم که شما بیش از حد تصور، عصبانی وکم ظرفیت وحتى ترسو و بدبین ودهن بین هستید؛ از واژه ترسو نهراسید.

اظهارات شمارا هرکه با دقت گوش کند، هیولای نامرئی ترس را درناصیه سرکارکاملا حس میکند و صدای زنانه ولرزش شما کمک میکند به درک شنونده و اگر کسی آنرا به شما نگفته دلیل نبود آن نمیشود <ایرانی ها درگفتن حقایق کمی احتیاط میکنند>.

**شما کیسه ای که برای طرح دعوا علیه کسانی که بشما اتهام مامور جمهوری اسلامی زده اند دوخته اید، سوراخ است وبه آن دل خوش نکنید که با حضور عده ای مانند خودتان در دادگاه قشقرقی براه خواهید انداخت. گرچه همین اظهارات علامت ترسی شماست که آماده شنیدن حرف درست نیستید و از قبل قشون کشی میخواهید بکنید ولی میخواهم گفته باشم که اتهام مامور جمهوری اسلامی ویا عاملیت آن کشور اساسا درقوانین کشورهای خارجی جرم نیست که شما شمشیرتان را از حالا تیز میکنید.**

از آنجا که شما مدعی واعلام کرده اید که کار سیاسی نمیکنید وفعالیتتان محدود به اطلاع رسانی است لذا اتهاماتی که متوجه اعلیحضرت کرده اید تماما از محدود کارسیاسی که با نوعی از اتهام سرو کار پیدا میکند ومعمول کارسیاسی است، خارج میشود و به انتقال اعلام خودتان مقید میگردد که در نهایت، آن اتهامات که سرکارمتوجه اعلیحضرت ویا حتی بیک شخص عادی کرده اید قابل تعقیب خواهد بود. ولی میدانید وشاید هم همین دانستن سرکارباشد که اعلیحضرت واصولا خانواده پهلوی عادت به شکایت کفیری از هموطنان خودندارند مشوق شما شده است.



بنده نه اصرارونه علاقه دارم که کسی به بیماری سادیسیم مبتلا باشد همین بی علاقه‌گی سبب شده که احساس کنم سرکار از یک چیزی رنج میبرید که بنده نام آنرا سادیسیم گذاشته ام چه بسا علت ناراحتی سرکار اصلا بیماری سادیسیم نباشد توصیه پدران من این است که سرکار به یک روانشناس رجوع کنید و شاید هم ناراحتی سرکار بمناسبت هائی باشد که خودتان میدانید و نه غیرشما. (بطور نمونه اسکیتزوفرنی) هم امروز خبرگزاریها خبری را منتشرکردند که یک جوان آلمانی بمناسبت اینکه درسی سال قبل از همکلاسی هایش فشارها و ناروانی هائی دیده میل از خانه خارج شدن را ندارد و ۳۰ سال است که خانه نشین شده است. چه بسا هم با گرفتاریهایی نظیر آن مواجه باشید. تشخیص بنده این است که شما با این اعصاب و این عقده های کینه توزی و دشمن تراشی ها و از خط اخلاق و وفاداری خارج شدن در آینده مشکل خواهید داشت؛ و تفاوتی هم نخواهد داشت چه درکارسیاسی و یا غیرسیاسی مشغول باشید.

### آیا عمل امید دانا سابقه دارد؟

این تحریر ناقص است اگر به این پرسش پاسخ داده نشود که آیا در سی و هفت سال گذشته چنین روالی یعنی اعتراض تند نسبت به اعلیحضرت وجود داشته است یاخیر؟

آری وجود داشته است ولی نه در حد محکمه درست کردن و حکم محکومیت دادن و امثال آنها. بعلاوه یک تفاوت بسیار آشکار دیگر و آن این است که اقدامات امید دانا توام با دریدگی و وقاحتی است که تاکنون از کسی حتی از دشمنان اعلیحضرت دیده نشده است و در گذشته منتقدان کاملا رعایت حد خود و حد اعلیحضرت را و حد اخلاق و منش ایرانی را میکردند و امید دانا خیر.

هرچه از حد بگذرد ناچارگردد ضد آن